

بازیابی مؤلفه های معنایی مؤثر بر طراحی نماها و جداره های شهری در راستای انعکاس احساسات ناظران (محدود مورد مطالعه منطقه دو تهران)

فاطمه حقگو : دانشجوی دکتری تخصصی معماری

Haghgoofatemeh56@gmail.com

دکتر غلامحسین ناصری : هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان

چکیده

نمای ساختمان‌ها به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر سیمای شهر، بخش قابل توجهی از دانش و عواطف محیطی شهروندان را شکل می‌دهند. امروزه با توسعه شهرنشینی و افزایش روزافزون ساخت و ساز، ضرورت توجه به نما و ساماندهی بدنه‌های شهری به عنوان چهره مسلط کالبد شهر که ناظر متداوماً با آن برخورد دارد مورد توجه قرار گرفته است. تحولات دهه‌های اخیر در سبک‌های طراحی نما و روند شکل‌گیری آنها به گونه‌ای بوده که کلیتی غیرقابل ادراک را به وجود آورده و موجب آشفتگی و اغتشاش بصری و ناخوشایندی و عدم انگیزش شده است. بنابراین در ابتدا اهداف معنایی برای تحقق یک منظر شهری مطلوب ضروری به نظر می‌رسد زیرا درک انسان از محیط و برقراری ارتباط با آن و چگونگی رابطه و حتی احساسات انسان در محیط در گرو دریافت معناست. معناست که به انسان پایگاه وجودی بخشیده و به او هویت می‌دهد. در این پژوهش ابتدا ضمن تعریف مفاهیم نما و معنا و تاثیر آن در طراحی معماری و شکل شهر به تبیین ادراک و شناخت محیط و ابعاد احساسی ناظران در محیط پرداخته می‌شود سپس با استفاده از مدل‌های ترجیحات محیطی مبنی بر وضعیت خاص انواع احساسات برانگیخته شده توسط محیط در ارتباط با دو بعد انگیزش و خوشایندی، نماهای مصوب در شهرداری منطقه دو با توجه به کاربری از نگاه ناظران مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف از این تحقیق بررسی و شناسایی ابعاد معنایی مؤثر بر طراحی نماها و جداره‌های شهری در سازگاری با واکنش احساسی ناظران می‌باشد. روش تحقیق از نوع تحلیلی - توصیفی بوده و در گروه تحقیقات کاربردی است و برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده گردیده بنابراین از جهتی دیگر این پژوهش یک تحقیق پیمایشی می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد هر یک از نماها بر اساس واکنش احساسی که در ناظر ایجاد می‌کند دارای مؤلفه‌های معنایی بوده که در نهایت راهکارهایی در جهت طراحی مطلوب نماها و جداره‌های شهری مطابق با عوامل معنایی مؤثر در طراحی با توجه به کاربری بنا ارائه می‌گردد.

کلمات کلیدی : معنا - نماها و جداره های شهری - احساسات و محیط - منطقه دو تهران

مقدمه

این روزها شاهد بی نظمی، اغتشاشات بصری و آشفتگی و نابسامانی در نماها و چهره‌ی شهر می‌باشیم. این امر موجب گردید توجه به نما و ساماندهی جداره‌های شهری به عنوان یکی از ملموس‌ترین سطوحی که ناظر در شهر با آن‌ها برخورد می‌کند در شهرداری‌های تهران مورد توجه قرار گیرد. در این میان جداره‌های شهری به عنوان بخشی از محیط شهری در صورتی که به نیازهای ادراکی انسان پاسخ دهد می‌تواند موجب رضایت‌مندی گردد. بنابراین یکی از کیفیاتی که از نما انتظار می‌رود معنادار بودن آن است به این معنی که مردم با دیدن نما احساسی مطلوب داشته و آن را به خاطر سپرده و سپس آن را به یاد آورند. امروزه بسیار اتفاق افتاده است که هر فرد با دیدن نمای یک ساختمان یا مجموعه‌ای از نماها؛ احساس، عاطفه و حالت خاصی را پیدا می‌کند. احساس امنیت و اطمینان، احساس تحسین و یا حتی احساس حقارت و شنیدن توصیف‌هایی نظیر نمای آرامش‌بخش، نمای متواضع، نمای سنگین و با وقار، نمای سبک، نمای هیجانی، نمای کسل‌کننده، نمای خشن، نماس شفاف، نمای استرسی و ... همگی نشان‌دهنده‌ی حالت‌های گوناگونیست که افراد مختلف از نماهای متفاوت برداشت کرده و به دنبال آن نوعی عاطفه و احساس در آنها بیدار می‌شود؛ لذا این امر از دغدغه‌های اصلی بسیاری از متخصصین در طراحی نماها می‌باشد. هدف از این پژوهش بررسی و شناسایی ابعاد معنایی مؤثر بر طراحی نماها و بدنه‌های شهری در سازگاری با واکنش‌های احساسی ناظران می‌باشد تا مشخص گردد آیا نماهایی که با توجه به کاربری به تصویب کمیته‌های مناطق می‌رسد در نگاه ناظران حس مطلوب را ایجا می‌کنند؟ و چه عوامل معنایی از دیدگاه ناظران بر ایجاد نماهای مطلوب تأثیر گذارند؟ بر این اساس در این تحقیق با شناخت مفهوم معنا و تأثیر آن در طراحی محیط شهر و شکل شهر (مقیاس کلان) و سپس تأثیر آن در معماری (مقیاس خرد) و احساسات و ادراک انسان، نماهای تأیید شده توسط متخصصین در شهرداری منطقه دو تهران از دیدگاه ناظرین با توجه به نمودار احساسات و محیط به وسیله پرسشنامه تحلیل و بررسی می‌گردد و عوامل مؤثر بر خلق نماهای قابل ادراک یا واجد معنا شناسایی می‌شوند و راهکارهایی را جهت طراحی مطلوب نماهای شهر در راستای ارتقاء و کیفیت جداره‌های شهرهای معاصر ارائه می‌نماییم.

پیشینه تحقیق

اخیراً شاهد مواردی چون عدم انسجام، نابسامانی، ناخوشایندی، عدم کارایی، ناهمخوانی‌های زمینه و آلودگی‌های بصری در منظرشهرها می‌باشیم. این موارد با توجه به پژوهش‌های اخیر در این زمینه نشان‌دهنده‌ی عدم توجه به مؤلفه‌های سطوح معنایی، رابطه انسان با محیط و ادراک و شناخت انسان و احساسات و عواطف انسان به عنوان عوامل مؤثر در طراحی مطلوب نماها و جداره‌های شهری می‌باشد. لذا همگی این پژوهش‌ها در پی یافتن راه‌حلی در جهت ارتقاء کیفی محیط شهری صورت گرفته است. همچنین تعاریف صورت گرفته از دیدگاه پژوهشگران به شرح ذیل در خصوص توجه به ابعاد معنایی و ادراکی به عنوان رویکردهای مطرح در مطالعات سیما و منظر شهری و زیبایی‌شناختی گواه بر اهمیت موضوع می‌باشد.

جدول شماره ۱ - توجه به ابعاد معنایی و ادراکی از دیدگاه پژوهشگران

کوبین لینچ	لینچ سه عامل ادراکی (جنبه حسی - جنبه معنایی)، فیزیکی و عملکردی را در منظر شهری حائز اهمیت می‌داند (رضازاده، ۱۳۸۵، ۳۱).
بنتلی	بنتلی منظر شهری را در سه بعد بصری (گوناگونی در سیمای بصری - تناسب بصری - نفوذ پذیری - انعطاف پذیری - غنای حسی مبتنی بر تجربیات حسی - خوانایی)، عملکردی و رفتاری (گوناگونی در عملکرد - نفوذ پذیری - انعطاف پذیری) و معنایی (غنای حسی - رنگ تعلق) مورد بررسی قرار می‌دهند (رضازاده، ۱۳۸۵، ۳۳).
نول	نول معتقد است شناخت زیبایی، فرآیندی ادراکی است که از مرحله عملکرد ذهنی و فعالیت حواس تا مرحله فعالیت‌های عملی و بروز الگوهای رفتاری ادامه می‌یابد. او برای گسترده این فرآیند ادراکی چهار سطح مختلف ادراک زیبایی شناختی قائل می‌شود که عبارتند از: سطح ادراک حسی، ادراک معنایی، سطح ادراک نشانه‌ای و سطح ادراک نمادین (Nohl، ۲۰۰۱، به نقل از امین زاده، ۱۳۸۹).
کاپلان	مطالعات کاپلان نشان می‌دهد، ترجیحات زیبایی شناختی را نمی‌توان جدا از بررسی مفاهیم ذهنی افراد نسبت به مکان دانست، چرا که ادراک زیبایی همراه با عواطف شخصی و پیش زمینه ذهنی فرد در ارتباط است (Kaplan & Kaplan، ۱۹۹۱).
رضازاده	در طرح پژوهشی صورت گرفته در مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری عناصر مؤثر بر سیمای شهر تحت عنوان سه هدف عمده بصری، کالبدی و معنایی بیان شده است (رضازاده، ۱۳۸۵).
منصوری	منظر شهر، فهم شهروندان از شهر است که به واسطه ادراک نمادهای آن (ابعاد کالبدی شهر) و تداعی معانی مرتبط با آنها صورت می‌گیرد. اهداف سه گانه منظر شهری: ۱- زیبایی شناختی ۲- فرهنگی هویتی ۳- عملکردی می‌باشد (منصوری، ۱۳۸۷).

(منبع: نگارنده)

بنتلی و همکاران (۱۹۸۵) در کتاب «محیط‌های پاسخده» هفت ویژگی را برای موفقیت یک محیط شهری و به عبارت خود پاسخ‌دهندگی ضروری می‌دانند. این ویژگی‌ها عبارتند از نفوذپذیری، گوناگونی، خوانایی، انعطاف‌پذیری، تناسب بصری، غنای حسی و رنگ تعلق. این ویژگی‌ها و معیارها در خصوص موفقیت محیط‌های مصنوع به طور کلی مطرح شده‌اند. این کیفیات بر قدرت انتخاب مردم تأثیر می‌گذارد. از میان این کیفیات، کیفیت‌ها، کیفیت گوناگونی، تناسب بصری و غنای حسی ویژگی‌های خاص مورد توجه در عرصه بصری می‌باشد که قابل قیاس با عوامل شناسایی شده و مؤثر بر کیفیت بصری سیمای خیابان می‌باشد این ویژگی‌ها را به سه شکل زیر بیان می‌دارد: ۱- کیفیتی که گوناگونی نامیده می‌شود می‌تواند بر تنوع قابلیت‌هایی که به مردم عرصه می‌گردد تأثیر بگذارد ۲- کیفیتی که تناسب بصری نامیده می‌شود می‌تواند بر جزئیات ظاهری یک مکان تأثیر بگذارد ۳- کیفیتی که غنای حسی نامیده می‌شود می‌تواند بر قوام گزینه‌های مربوط به تجربیات حسی مردم تأثیر بگذارد. البته بایستی اذعان داشت که بنتلی و همکاران به ابعاد عملکردی و رفتاری در محیط نیز توجه خاص نموده و شاید بتوان گفت که توجه اصلی آنها معطوف به این ابعاد می‌باشد و موضوع ویژگی‌های بصری به طور خاص در کیفیت بررسی شده تحت عنوان تناسب بصری مورد توجه خاص قرار گرفته است. در عین حال گوناگونی عملکردی که آنان از آن صحبت کرده‌اند تا حدودی با تنوع بصری قابل قیاس بوده و غنای حسی که بعدی معنایی است با بعد خاطر انگیزی و تداعی تاریخ در این مطالعات قابل قیاس می‌باشد (رضازاده، ۱۳۸۵، ۳۲).

لینچ (۱۳۷۳) در مقاله‌ای با عنوان «طرح شهر و نما و ظاهر شهر»، ضمن اشاره به اهمیت نما به ارائه معیارهایی برای نما و ظاهر خوب می‌پردازد و برای شکل خوب شهر شش ویژگی را عنوان می‌نماید که این ویژگی‌ها شامل: سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت می‌باشد (رضازاده، ۱۳۸۵، ۳۲). به بیان لینچ، معیارها باید دربرگیرنده نیازهای متعدد بوده، به صورت کلی تعریف شده و چنان مستقیماً به فرم مربوط باشد که سنجش ارزش هر طرح

پیشنهادی را در مقایسه با سایر پیشنهادها ممکن سازد. وی بهترین منبع این معیارها را مراجعه مستقیم به خود مردم یا ملاحظه انتخاب هایشان دانسته و بهترین عرصه برای عرضه چنین معیارهایی را عرصه روان شناسی محیط می داند. معیارهایی که لاینحیثی می نماید عبارتند از: تهیج، تنوع، قابلیت شناسایی، خاطره انگیزی، سرزندگی، هویت، تصویرپذیری، خوانایی، انعطاف پذیری، سادگی، وضوح، چیرگی بخشی از فرم، تطابق با محیط، معنی داری و آموزندگی (ارجمندفر، ۱۳۸۸، ص ۱۳-۱۴).

مریم محمدی (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان «بازشناسی دلالت های معنایی انواع نما در انطباق با پاسخ عاطفی ناظران، نمونه ی خیابان شریعتی تهران» به بررسی عوامل مؤثر بر ادراک نما در دو بعد احساس و معنا پرداخته که بر نوع رفتار شخص در محیط تاثیر دارد. او ضمن تبیین فرآیند ادراک، تأثیرپذیری لایه ی تفسیر و دلالت های معنایی، از لایه ی احساس تبیین شده و سپس مبتنی بر مدل های ترجیح محیطی، دلالت های انواع نماها را به روش کیفی و با استفاده از نظر طراحان شناسایی نموده و نماها را در چهار گونه ی نماهای هیجانی، آرامش بخش، کسل کننده و استرس زا دسته بندی کرده. همچنین با توجه به اینکه دلالت های معنایی تحت تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی هستند از نظر ناظران بهره مند شده است و داده ها به روش کمی (پرسشنامه ای) جمع آوری و به صورت آماری تحلیل شده. در نهایت بر اساس این پژوهش می توان برای هر یک از نماها با توجه به نوع کاربری، جایگاه آنها را در شبکه احساس یافت و مشخص نمود چه ویژگی هایی در نما می تواند منجر به انگیزش محیطی و خوشایندی محیطی گردد و برای جلوگیری از ایجاد نماهای کسل کننده باید از مواردی چون تکرار فرم ها، نبود تنوع در رنگ و مصالح، یکنواختی، نبود هماهنگی، برهم زدن ترکیب، سادگی بیش از حد و نداشتن الگو پرهیز نمود (محمدی، ۱۳۹۶).

پاکزاد (۱۳۸۲) در مقاله ای با عنوان «پدیدارشناسی نماهای مسکونی و سیر تکوین توقعات از آن» بر این باور است، نما در حوزه بصری در حوزه ادراک و رفتار نیز جایگاه ویژه ای دارد تا آنجا که به عنوان درجه درک بصری عمل می کند و ادراک بصری محیط را تحت تأثیر خود قرار می دهد و علاوه بر اثرات بصری و زیبایی شناسی واجد اثرات روانی و اجتماعی نیز گردیده و مؤثرترین عنصر تأثیرگذار بر کیفیت بصری بنا و فضا می شود. (پاکزاد، ۱۳۸۲)

ذبیحی، ماجدی و رخشان (۱۳۹۶) در مقاله ای تحت عنوان «بازخوانی مؤلفه های هویت بخش نما در منظر شهرهای معاصر» با توجه به رابطه متقابل انسان و محیط در پی شناخت مدلی جامع از انسان و ابعاد ادراکی او در جهت طراحی مناسب جداره های شهری می باشند. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که محیط با چه مؤلفه هایی می تواند به شکل گیری هویت در فرد و جامعه مؤثر باشد؟ لذا فضای معماری قابلیت دارد نیازهای مادی و روانی انسان را به صورت نسبی تأمین نماید و سازندگان محیط می توانند با آگاهی از مؤلفه های اثربخش بر ادراک فرد از محیط با طراحی محیطی غنی و تأکید بر مؤلفه های ادراکی به اثربخشی محیط کمک کنند. همچنین محیطی که نظام های کالبدی، ادراکی، معنایی و کارکردی در آن به درستی عمل کند، می تواند با استفاده از ارزش گذاری های مناسب فردی و جمعی به تربیت ادراکات فرد در محیط پردازد و به غنای فرهنگی دامن بزند و این موضوع زمانی رخ می دهد که نگاه حاکم بر طراحی محیطی متناسب با ارزش ها و هویت جامعه باشد. در این پژوهش با شناخت مفهوم سیما و منظر و نگاهی بر روند تغییر مفهوم نما در ایران، جهت بهبود فضاهای شهری معاصر به ارائه راهکارهایی برای ارتقاء محیط کالبدی در عصر حاضر می پردازد و نهایتاً با بررسی معیارهای مؤثر بر ارتقاء هویت نمای شهری اصولی از قبیل:

- ۱- توجه به مؤلفه های معنا در شکل دهی به نماهای شهری با در نظر گرفتن ایدئولوژی حاکم بر جامعه، احترام به انسان، توجه به نیازهای انسان، توجه به نماد و سمبل، ایجاد ارتباط کالبد و معنا و توجه به غنای حسی در محیط.
- ۲- احترام به فرهنگ بومی و جلوگیری از شبیه شدن به بیگانه ۳- تداوم تاریخی با احترام به ابعاد معنایی تاریخ و پرهیز از تکرار فرم های قدیمی تحت عنوان تاریخ گرایی، را به عنوان معیارهای نهایی معرفی نموده اند (ماجدی و ذبیحی، ۱۳۹۷).

روش تحقیق

روش تحقیق از نوع تحلیلی - توصیفی و در زمره تحقیقات کاربردی است. اطلاعات مورد نیاز جهت انجام این مقاله به صورت اسنادی (کتابخانه ای) جمع آوری و به روش کیفی تحلیل شده و احساسات ناظرین در محیط براساس نمودار احساسات و محیط راسل با توجه به مؤلفه های خوشایندی و انگیزش در ۱۶ گروه طبقه بندی گردیده است و از آنجائیکه در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه استفاده گردیده بنابراین می توان این پژوهش را یک تحقیق پیمایشی عنوان نمود. همچنین در این پژوهش از نظرات ۱۰۰ ناظر بهره مند شده و از طریق پرسشنامه (روش کمی)، احساسات ناظرین در رابطه با نماهای مصوب در شهرداری منطقه دو تهران که توسط متخصصین به تأیید رسیده است بررسی و به صورت آماری تحلیل شده است.

معنا

معنی لغوی معنا در فرهنگ دهخدا عبارت است از: موضوع، مطلب، کلام، مقصود و باطن (دهخدا، ۱۳۷۷) و همچنین در فرهنگ معین این واژه معادل: مضمون و مفهوم می باشد (معین، ۱۳۸۶). معنا پیامی است که در تعامل و ارتباط بین انسان و محیط در زمینه فرهنگی اش شکل گرفته و متبادر می شود (محمدی، ۹۵، ۲۸). انسان می تواند شباهت ها و روابط میان پدیده ها را دریابد و قوانین حاکم بر جریان طبیعی و انسانی را کشف کند. آنچه او از این جریان پیوسته پدیده ها انتزاع می کند، معانی وجودی او را تشکیل می دهد. این یعنی معنای هر پدیده، همان بستری است که پدیده در آن ظاهر می شود و هر انسان عبارت است از مناسبات و معانی که در دسترس اوست و دریافت معنا نیاز بنیادی اوست. بلوغ یعنی آگاه شدن از معناها (شولتز، ۱۳۸۹). امبر تو آکو، زبان شناس ایتالیایی معنا را واحدی فرهنگی می داند (آکو، ۱۳۸۷). لینچ معنا را مقوله ای می داند که ما را به سایر جنبه های زندگی مرتبط می کند (لینچ، ۱۳۸۱) معنا کلیه ذهنیت هایی است که یک محرک برای ناظر به وجود می آورد، زمانی که آن را با تجربیات خود، اهداف و منظورهایش مقایسه می کند (حبیب، ۱۳۸۵). معنا واجد ماهیتی ذهنی، سیال، پیچیده و کیفی است (محمدی، ۱۳۹۶). اندیشمندان بسیاری با رویکردهای متفاوتی به بحث معنا پرداخته اند که به طور مختصر جهت بیان اهمیت موضوع به شرح جدول ذیل به بررسی می پردازیم

جدول شماره ۲ - معنا از نگاه اندیشمندان

رویکرد	معنا و تفسیر آن
زبان شناسانی نظیر سسور، پیرس، جامسکی	معماری زبانی است که شهر متن آن است. بناها، کلمات و نشانه هایی هستند که جمله (شهر) یا متن را می سازند.
جامعه شناسانی نظیر آزگود و سوسی	ارزش ها، تاثیر و جایگاه آن در حصول معنی.
مردم شناسانی نظیر بوس، ورف، ساپیر، تیلور و هال	تاثیر فرهنگ جوامع بر ادراک و فرایند خلق معنا.

هرشبرگر دو مفهوم را برای تعیین معانی فضایی ارائه نموده است: یکی مفهوم ذهنی که از شناخت انسان از طریق ادراک او قابل فهم و تشخیص خواهد بود و دیگری مفهوم واکنشی است. وی مفهوم ذهنی را به مفاهیم عینی و استعاره ای متفک می نماید که مفهوم عینی که مطرح می کند به هیئت ظاهری و شکل بازمی گردد و مفهوم استعاره ای تابع قراردادهای اجتماعی و فرهنگی می شود.

روانشناسان محیط نظیر موریس، گیبسون و هرشبرگر

(منبع: نگارنده)

معنا در طراحی محیط شهری و شکل شهر

جان لنگ عواملی را که در ایجاد معنای محیط مؤثر هستند شامل موارد ذیل می داند:

۱- پیکره بندی بنا: شکل و الگوهای سازنده شیوه های معماری ۲- پیکره بندی فضایی: حجم، میزان محصور بودن و تناسبات فضا ۳- مصالح ساختمانی، روشنایی، رنگ ۴- محیط غیربصری: سایر کیفیت های مرتبط با سایر حواس ۵- معنای غیر مادی محیط: معنای مرتبط با روند تصمیم گیری در محیط (لنگ، ۱۳۸۶). لینچ در کتاب نظریه فرم خوب شهر هفت کیفیت سازگاری، دسترسی، کنترل، کارایی، عدالت، معنا و سرزندگی را در ایجاد فرم مطلوب مورد تأکید قرار می دهد (لینچ، ۱۳۸۱). معنای شکل شهر مفهومی تک بعدی نیست و حاوی مفاهیم پیچیده ای است که در قالب یک مفهوم خاص ظاهر گشته است. معنای شکل شهر که با ایجاد تصور ذهنی از شهر مترادف است شامل مدارجی از: ادراک - شناسایی (بازشناسی و تمایز) - برقراری پیوند بین اجزاء و عناصر آن - برقراری ارتباط و پیوند بین شکل شهر و فعالیت های شهر - برقراری پیوند با رویکردها، مکان و زمان - ارتباط با مفاهیم غیر فضایی و ارزش ها می باشد و ذهن انسان تصویر ذهنی شهر را بر مبنای تأثیرات حسی، تجربیات شخصی، قضاوت زیبایی شناسی، تجربیات جمعی و گروهی، چارچوب فرهنگی، ارزش ها و ایده آل ها و آرمان ها شکل می دهد. که هم به منظر شکل می دهد و هم در منظر شکل می گیرد. از این رو منظر شهر نمادی محسوب می شود که ارزش های فرهنگی و ایده آل ها را به طور کالبدی باز می نمایاند و از طریق شکل شهر سنت های فرهنگی، واقعیات زندگی و تجربیات شخصی به هم متصل می شوند (حبیب، ۱۳۸۵). محیط شهری در صورتی که به نیازهای ادراکی انسان پاسخ گوید می تواند رضایت مندی را ارتقاء دهد. در این راستا نماسازی ها به عنوان بخشی عمده از منظر شهری می تواند علاوه بر احترام به انسان و ابعاد وجودی او نمونه ای بارز از مردم واری با ارتقاء غنای حسی باشد و موجب لذت بخشی در فضای شهری با توجه به ارزش های زیبای حسی، شکلی و نمادین شود. توجه به نمادپردازی و تحت تاثیر قرار دادن ناخودآگاه جمعی در فضای شهری منتهی به ارتباط کالبد و معنا در منظر شهری می گردد و می تواند منجر به خلق حس مکان، خاطره جمعی و حس تعلق به محیط گردد (عباسی، ۹۶، ۲۶۱) همچنین لنگ در کتاب آفرینش نظریه های معماری رویکردهای نظری متعددی را به شرح جدول ذیل در رابطه با معنای محیط مطرح کرده است.

جدول شماره ۳- رویکردهای نظری معنا

بر این باورند که با وقوع ادراک، معنا نیز درک می شود و برای دادن معنایی جدید، تجربه ی گذشته در ادراک مداخله می کند.	
معتقدند که معانی قبلاً به وجود آمده اند.	تحلیل درون گرا
معنا پس از ثبت ساختار آن توسط دریافت کننده به رویدادها داده می شود.	نظریه تجربه گرا
معتقدند که معانی بیانی، حاصل عملکرد شخصیت هندسی محیط هستند.	گشتالت
ویژگی ناخودآگاه ذهن را در نظر می گیرند، که خاطراتی در آن ثبت می شود و توسط روان بیدار نگه داشته می شود.	روانکاوان

(لنگ، ۱۳۹۸، ۱۰۸)

بدین ترتیب طراح شهر، نقش مهمی در فرآیند تولید معنا و خلق نشانه های فرهنگی و اجتماعی قابل بازخوانی توسط استفاده کنندگان دارد. بنابراین با توجه به نظر متخصصین، معنا در طراحی حائز اهمیت بوده به گونه ای که طراح شهر می تواند به وسیله طراحی محیط و از طریق ایجاد سیستم های فعالیتی متناسب با فرم به صورت مؤثر به ایجاد یک محیط با معنا کمک کند (Steinitz, 1968).

معنا و معماری

جریان باطنی معماری، جریان جست و جوی آدمی برای یافتن پایگاه وجودی و آشکار کردن معناها از طریق نماد های معماری است. کریستین نوربرگ شولتز، اعتقاد دارد که معنا نیاز بنیادی انسان است و انسان چیزی نیست جز معانی که در دسترس اوست. هر فرد درون نظام معنایی زاده میشود که آن نظام معنایی از طریق مظاهر نمادینش به فهم آدمی در می آید. در همین نظام است که با ساختن، معناها آشکار میشوند. انسان این کار را از طریق نمادپردازی انجام میدهد. هدف معماری این است که به انسان کمک کند تا وجودش را معنادار کند. انسان به مدد معماری، پایگاهی در فضا و زمان بدست آورده و سخت نیازمند آن است که "معماری چون پدیده ای ملموس" را دوباره فراچنگ آورد (شولتز، ۱۳۸۹). معنا، معماری را در کالبد نمی بیند بلکه آن را نمودی از معانی پر رمز و راز می داند. در اینجا شیء یا اثر هنری ابزاری است برای رساندن پیام های معنوی یا آن جهانی (معماریان، ۱۳۹۵، ص ۳۵۴). معماری به عنوان واقعیتی زنده از دیرباز به انسان کمک کرده است که وجود خود را معنادار کند از همین روست که معماری فراتر از برآوردن نیازهای عملکردی و اقتصادی است و معانی وجودی از پدیده های طبیعی، انسانی و معنوی نشات می گیرد و در قالب نظم و شخصیت ادراک می شود و معماری آن را به زبان فضایی ترجمه می کند (شولتز، ۱۳۸۹). شولتز کاراکترهای معنا را مفاهیمی کیفی می داند و در سه دسته کاراکترهای طبیعی، کاراکترهای زوچی و معنوی و کاراکترهای انسانی تقسیم بندی می کند (هاشمی و کرباسچی، ۱۳۹۷). که عوامل خوانایی، قابلیت ادراک، تجربه حسی و معنی با توجه به موضوع پژوهش ما در تقسیم بندی کاراکترهای معنای شولتز جای دارد.

در اینجا جهت تأکید به اهمیت وجود معنا در طراحی و آثار معماری به تشریح نظریه هایی که تأکیدکننده ی وجود معنا در معماری می باشد مطابق جدول ذیل

می پردازیم:

جدول شماره ۴- نظریه های مؤید معنا در آثار معماری

نظریه معنا	نظریه پرداز	محتوا
نظریه رفتاری	کارل اسگود	معنای یک اثر، احساس و رفتاری عملی است که در مخاطب برمی انگیزاند و حتی اگر یک اثر، سبب احساس و رفتار خاصی در مخاطب نگردد، دست کم تمایل برای این رفتار را به وجود می آورد که این تمایل به احساس و رفتار خاص، همان معنای اثر است (هاسپرس، ۱۳۷۰، ۴۸).
نظریه قضیه ای	برتراند راسل	راسل بیان می کند اگر قضایایی که ما با آثار خود درصدد بیان آنها هستیم بر وجودی خارجی و عینی دلالت نکنند قضایایی بی معنا هستند (نصری، ۱۳۸۱، ۲۶). خاستگاه معنای آثار در این نظریه، کالبد و ویژگی های کالبدی اثر می باشد؛ چرا که اصولاً این کالبد اثر است که معمار با بهره گیری از آن می تواند قضیه مورد نظر خویش را به مخاطب انتقال دهد (رئیس و نقره کار، ۱۳۹۲، ۹).
نظریه مصداقی	پوزیتویست ها	در آثار معماری، معنا همواره تابع مصداق خارجی آنها است که بهترین بستر برای حمل این مصداق خارجی، کالبد و فرم اثر است؛ لذا خاستگاه معنای آثار معماری چیزی جز کالبد و مشخصه های کالبدی آن نمی باشد و برای درک معنای پیام آثار معماری باید توجه را بر کالبد و شکل اثر معطوف نمود تا از راه شناخت عناصر اثر و نشانه شناسی مؤلفه های ساختاری آن به درک معنایی آن پیام نائل شد (مهدوی نژاد، ۱۳۸۴، ۷۲).
نظریه مفهومی	جان لاک	طبق این نظریه معنای اثر، ماهیتی است در عرض دیگر ماهیات و هویت آن مستقل از هویت رفتارها، احساسات و کالبد اثر می باشد. به بیان دیگر، معنا یک هویت ذهنی است و متناظر با تصورات و مفاهیمی است که قیام وجودی به ذهنیت و روان انسان دارند و آثار، حاکی از این مفاهیم و تصورات هستند (واعظی، ۱۳۹۰، ۷۹).
نظریه کارکردی	لودویگ وینگشتاین	معنای یک اثر تابع کارکرد و استعمال آن می باشد (نصری، ۱۳۸۱، ۲۹).

منبع: نگارنده

ادراک و شناخت محیط

ادراک محیط فرآیندی است که با احساس واقعیت و محرک های فیزیکی و شیمیایی موجود در محیط آغاز می شود، با تفسیر و تحلیل ذهنی انسان ادامه پیدا می کند و با چگونگی واکنش موجود زنده به محیط و یا سازش با آن خاتمه می یابد. از نظر رفتارشناسان موضوع ادراک، رفتار ادراکی یا پاسخی است که به دنبال اثر محرک داخلی یا خارجی از موجود زنده سر می زند. پاسخ های ادراکی می تواند به صورت کلامی، غیر کلامی و یا حتی پاسخ های ظریف الکتریکی سطح پوست و مشابه آن باشد (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۴، ۱۲۸). ادراک فرآیندی است که در آن اطلاعات احساسی به تجارب و تفاسیر معنی دار تبدیل می شوند (koseoglu, 2011). در واقع ادراک فرآیندی ذهنی است که در آن تجربیات احساسی، معنادار شده و از این طریق انسان، ارتباطات و معانی اجسام را تشخیص می دهد (محمدی، ۱۳۹۶، ۴۰). در واقع ادراک و شناخت دو مفهوم جداگانه هستند. ادراک مکانیزم برونی فرآیندی است که مربوط به چگونگی تحریکات اعضای حسی و جمع آوری اطلاعات است و شناخت یک مکانیزم درونی فرآیند و نحوه ی تأثیر تجارب پیشین، عوامل روان شناختی (مانند انگیزه ها، ارزش ها و ...) و شخصیتی (درون نگری یا برون نگر بودن) افراد، در تعبیر و تفسیر آن اطلاعات حسی است (مرتضوی، ۱۳۸۰، ۶۶).

رایج ترین رویکرد امروز انسان رویکردی است که انسان را بر حسب چند فرآیند درونی در نظر می گیرد: واکنش های ادراکی به محیط (اینکه افراد چطور محرک های محیطی را درک و سازماندهی می کنند و به آنها واکنش نشان می دهند)، حالات عاطفی و انگیزشی مرتبط با محرک های محیطی (فشار روانی و احساسات منفی یا مثبت) و واکنش های شناختی به محیط (تخمین غنا، پیچیدگی و معنای محیط). این الگو انسان را موجودی می داند که دارای پردازشگری درونی است و بیشتر به فرآیندهای روانی و ذهنی می پردازد تا واکنش های رفتاری آشکار (آلتمن، ۱۳۹۵، ۲۵۸). در واقع آلتمن سه رویکرد واکنش انسان بر اساس فرآیند درونی به محیط را مطرح کرد که با توجه به موضوع پژوهش که بررسی بازتاب احساسات ناظران به محیط جهت بهبود کیفیت طراحی نماها و جداره های شهری می باشد، رویکرد واکنش عاطفی و انگیزشی مورد تأکید و توجه می باشد.

عاطفه و واکنش احساسی به محیط

عاطفه با احساس مرتبط است و به دوست داشتن ها و دوست نداشتن ها می پردازد. عاطفه شامل درک ارزش ها و شکل گیری نگرش است. درک فرآیندهای شناخت و عاطفه می تواند در ادراک زیبایی های محیط و انتخاب مردم در استفاده از عناصر محیط نقش مهمی داشته باشد (لنگ، ۱۳۸۹، ۱۰۶). در خصوص واکنش احساسی به محیط نظریه های متفاوتی وجود دارد و طیف متفاوتی از احساسات در محیط را می توان نام برد. در این پژوهش داور و قضاوت درباره احساس محیط به دو عامل کلی انگیزش و خوشایندی بستگی دارد. در واقع این دو عامل از دیدگاه برلین که نظریه پردازی تجربی است مطرح شده است. براساس این نظریه در مجموع مردم خواهان محیط هایی هستند که از سطح اطلاعات محیطی متوسطی برخوردار است چرا که کمبود اطلاعات محیطی (همگونی و یکنواختی بیش از حد) موجب دلزدگی و کسالت شده و فراوانی اطلاعات محیطی (اغتشاش و تنوع بیش از حد) منجر به خستگی ذهنی و واماندگی روانی می شود. علاوه بر این مردم خواهان محیط هایی هستند که تأثیر لذت بخش بر آنها می نهد (Berlyne, 1974).

شبکه احساس

راسل و اسنودگرس (۱۹۸۹) انگیزش و خوشایندی را به عنوان دو زیرساخت ارزیابی احساس محیط مطرح نمودند. راسل و همکاران بر اساس همین ایده اولیه، شبکه احساسی Affect Grid را به عنوان ابزاری برای سنجش کیفیت احساسی محیط تدوین نمودند. این شبکه از دو محور به وجود آمده است که از یکسو میزان انگیزش و عدم انگیزش و از سوی دیگر میزان خوشایندی و عدم خوشایندی را می سنجد. در اینجا چهار محدوده قابل شناسایی می باشند، محدوده ی با سطح بالای انگیزش و خوشایندی که محدوده هیجان می باشد. محدوده ی با سطح بالای خوشایندی و سطح پایین انگیزش که محدوده آسایش می باشد. محدوده ی سطح پایین انگیزش و ناخوشایندی که محدوده ی افسردگی بوده و بالاخره محدوده ی ناخوشایندی و سطح بالای انگیزش که محدوده فشار می باشد (رضازاده، ۱۳۸۵).

-نما

تعریف واژه نما عبارت است از آنچه در معرض دید و برابر چشم است، صورت ظاهری (معین، ۱۳۶۴). قسمت خارجی ساختمان و بعدی از ساختمان که به دیده می‌آید (دهخدا، ۱۳۷۷). نمای هر ساختمان در مجموعه شهری که در آن حضور دارد مؤثر است و این تأثیر را به بدنه خیابان‌ها یا میدان‌ها که در آنها شکل گرفته است، انتقال می‌دهد در واقع نمای شهری متشکل از بناهای شهری است. بنابراین وقتی که از دید معماری با این کلمه برخورد می‌کنیم، اشاره مستقیمی به نمای ساختمان‌ها داریم (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۸۲). نما، ارتباط ملموس ساختمان با شهر است. از طریق نما، عناصر طبیعی (نور، باد) به ساختمان نفوذ کرده و ارتباط ساکنان با فضای شهری برقرار می‌گردد. علاوه بر آن در شکل دهی به سیمای کالبدی شهر، نقش مهمی داشته و فصل مشترک رنگ تعلق داخلی و بیرونی است (رخشان و همکاران، ۹۶، ۷۷). اکنون با توجه به اهمیت طراحی نماها در بازتاب احساسات ناظرین به عنوان استفاده کنندگان محیط به تعریف مفهوم نما ضمن تأکید بر موضوعات معنایی ادراک، شناخت و احساسات می‌پردازیم.

جدول شماره ۵- مفهوم نما

حیب	نمای شهری که بتواند تصویر مناسبی از خود به جای بگذارد، می‌تواند نقش اجتماعی هم داشته باشد، چراکه به مردم کمک می‌کند، بدانند در کجا هستند و در نتیجه محیط را خوانده، به نحو مطلوب تری فعالیت‌هایشان را تنظیم کنند و حتی می‌تواند خاطرات جمعی و ارتباطات گروهی را افزایش دهد (حیب، ۱۳۸۵، ۵۳).
صفا منش	نمای ساختمان‌ها به صورت یک صفحه نمایش ترکیبات معماری ظاهر می‌گردد. ترکیب‌های معماری حاوی نوعی معنا هستند و از این رو قادرند که خیال آدمی را تحریک نمایند و با وی ارتباط برقرار کنند. به همین دلیل بخش‌های عمده‌ای از ارتباط انسان با محیط اطرافش از طریق ارتباط بصری و ذهنی وی با ترکیب‌های معماری آن محیط اتفاق می‌افتد، این نوع ارتباط که خصلتی بسیار تجریدی دارد، زمینه‌ای برای تحریک ارتباط‌های غیرتجریدی تر و مشخص تر است (صفا منش، ۱۳۷۳، ۱۸۰).
رضازاده	نمای ساختمان در عرصه شهر نه در فردیت و استقلال بلکه در ترکیب و وحدت با سایر ابنیه در فضایی که خیابان یا میدان نامیده می‌شود به دیده می‌آید و مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرد. نمای شهری دیگر حاصل کنار هم نهادن نماهای تک بناها در یک راستا نیست و در ترکیب خود مفهومی فراتر را در ابعاد زیبایی‌شناسی، نشانه‌شناسی، معنا شناسی و حتی عملکردی و زیست محیطی عینیت می‌بخشد (رضازاده، ۱۳۹۰، ۹).
پاکزاد	نما در حوزه بصری در حوزه ادراک و رفتار نیز جایگاه ویژه‌ای دارد تا آنجا که به عنوان دریچه درک بصری عمل می‌کند و ادراک بصری محیط را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و علاوه بر اثرات بصری و زیبایی‌شناسی واجد اثرات روانی و اجتماعی نیز گردیده و مؤثرترین عنصر تأثیرگذار بر کیفیت بصری بنا و فضا می‌شود. (پاکزاد، ۱۳۸۲، ۵۵)

منبع: نگارنده

-بررسی و تحلیل نماهای مصوب شهرداری منطقه دو تهران از نگاه ناظران با استفاده از شبکه احساس

اکنون با عنایت به مباحث مطرح شده و اهمیت معنا و رویکرد عاطفی و انگیزشی در واکنش انسان به محیط در طراحی نماها و جداره‌های شهری جهت بهبود کیفیت فضاهای شهری و با توجه به هدف پژوهش حاضر که بررسی و شناسایی مؤلفه‌های معنایی مؤثر بر طراحی نماهای شهری تهران در سازش با واکنش احساسی ناظران به عنوان استفاده کنندگان محیط می‌باشد، ضمن تعریف مفاهیم نما، معنا و تأثیر آن در طراحی، شناخت، ادراک، احساسات و پاسخ عاطفی به محیط مشخص می‌شود که طراحی نماها می‌تواند واکنش‌های احساسی و مؤلفه‌های معنایی متفاوتی ایجاد نمایند. بنابراین در این قسمت به منظور تدوین چارچوب تحلیلی در بررسی نماهای مصوب از نگاه ناظرین از مدل پیشنهادی اسنودگرس، راسل و وارد (۱۹۸۸) استفاده شده است و همچنین با استفاده از نمودار احساسات و محیط (EMOTION AND THE ENVIRONMENT)، انواع احساسات پراکنج شده توسط محیط در ارتباط با دو بعد انگیزش و خوشایندی که توسط راسل توضیح داده شده است (شکل شماره ۲) استخراج و دسته‌بندی شده و به صورت پرسشنامه، واکنش احساسی ناظرین نسبت به نماهای مصوب شهرداری منطقه دو با توجه به کاربری مطابق جدول ذیل مورد سنجش و بررسی قرار گرفته و با تحلیل آماری پرسشنامه‌ها با توجه به مؤلفه‌های معنایی مؤثر در طراحی نماها و متناسب با واکنش عاطفی ناظرین، راهکارهایی جهت طراحی مطلوب نماها و بدنه‌های شهری ارائه می‌شود:

جدول شماره ۶- تحلیل و بررسی واکنش عاطفی ناظرین نسبت به نماهای مصوب شهرداری منطقه دو تهران با توجه به کاربری و ارائه راهکارهای معنایی مؤثر در ایجاد احساس مطلوب

تصویر نمای مصوب	کاربری مسکونی					
	واکنش احساسی	خیلی زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	ارائه راهکار جهت احساس مطلوب ناظرین در راستای مؤلفه‌های معنایی
مهیج	۲٪	۶٪	۱۲٪	۳۳٪	۴۷٪	-توجه به طراحی نما هنگام طراحی پلان (تغییر مصالح نما بر مبنای تغییر کاربری فضای پشت آن) (استفاده از تناسب هندسی متعادل - طراحی متناسب با حال و احوال و رفتار انسان‌های درون آن (متناسب با کاربری) - عدم استفاده از قاب بندی در طراحی نما - عدم استفاده از خطوط باریک عمودی به دفعات در طراحی نما - تأکید بر خطوط افقی در طراحی بازشوها - طراحی با ظرافت و استفاده از تزئینات واجد معنا جهت القای حس آرامش - افزایش سبزی‌نگی متناسب
فعال	۳٪	۴٪	۱۷٪	۳۳٪	۴۳٪	
سرزندگی	۲٪	۱۷٪	۲۱٪	۳۱٪	۲۹٪	
جالب	-	۵٪	۱۷٪	۴۵٪	۳۳٪	
بی‌قراری	-	-	۶٪	۴۳٪	۵۱٪	
عصبانیت	-	-	۲٪	۴۵٪	۵۳٪	
دافعه	-	۲٪	۲۳٪	۳۷٪	۲۸٪	
نارضایتی	-	۵٪	۱۹٪	۳۳٪	۴۳٪	
زیبا	۹٪	۲۷٪	۴۳٪	۱۹٪	۲٪	

<p>با ابعاد کلی نما جهت افزایش حس مطلوب و سرزندگی و جلوگیری از احساس خستگی - استفاده از انواع آجرچینی جهت جلوگیری از طراحی یکنواخت نما - استفاده از رنگ های آرامش بخش متناسب با زمینه و با توجه به نظام معنایی رنگ ها - ترکیب مناسب رنگ ها و مصالح - استفاده از مصالح با قابلیت شستشو - طراحی سایه بان و استفاده از پیش آمدگی ها و فرورفتگی ها جهت ایجاد آسایش اقلیمی - سادگی و در عین حال زیبایی و دارای تناسبات و آرامش بصری - ترکیب مناسب خطوط عمودی و افقی - طراحی متناسب با لکن ها جهت ایجاد فرمی متنوع</p>	۳٪	۱۳٪	۳۸٪	۳۹٪	۷٪	دلپذیر	
	-	۱۷٪	۳۳٪	۳۸٪	۱۲٪	متین	
	۷٪	۱۹٪	۲۶٪	۳۴٪	۱۴٪	آرامش بخش	
	۵۴٪	۳۱٪	۱۲٪	۳٪	-	افسردگی	
	-	۲۱٪	۴۷٪	۳۳٪	۵٪	خسته کننده	
	۱٪	۳۳٪	۳۳٪	۲۳٪	۱۰٪	بیهودگی	
	-	۱۲٪	۳۹٪	۳۷٪	۱۲٪	یکنواختی	
	ارائه راهکار جهت احساس مطلوب ناظرین در راستای مؤلفه های معنایی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
<p>-طراحی متناسب با فرهنگ و دارای هویت - عدم استفاده از خطوط بیهوده در طراحی - رعایت نظم و هماهنگی - طراحی پیوسته و متداوم (ارتباط بین تمامی اجزای نما) - طراحی جداره های سبز جهت افزایش آرامش بصری و تلطیف محیط - به کارگیری رنگ های آرامش بخش در طراحی - عدم استفاده از خطوط به صورت تکه ای و رها شده - عدم استفاده از رنگ های متضاد با زمینه و استفاده از ترکیب های رنگی همخوان با یکدیگر - استفاده از تناسبات ، ریتم ، مقیاس ، آرایش ، نظم و وحدت - عدم استفاده از خطوط مشکی با پهنای زیاد و بدون ارتباط با یکدیگر در طراحی - طراحی با مصالح مناسب به همراه قابلیت اجرا - رعایت تناسبات بصری - رعایت تناسبات در طراحی بازوها - استفاده از فرورفتگی ها و پیش آمدگی ها جهت سایه اندازی - استفاده از شیشه های رنگی و طراحی سایه بان جهت حفظ حریمیت - طراحی متفاوت همکف به دلیل اتصال و تعامل بیشتر با عابرین پیاده و ناظرین - استفاده از تزئینات در ترکیب با جداره های سبز</p>	۶٪	۳۳٪	۲۳٪	۳۱٪	۷٪	مهیج	
	۳۹٪	۳۲٪	۲۱٪	۸٪	-	فعال	
	۲۹٪	۴۳٪	۲۳٪	۵٪	-	سرزندگی	
	۲۳٪	۳۷٪	۱۷٪	۲۳٪	-	جالب	
	۸٪	۳۴٪	۲۴٪	۳۱٪	۳٪	بی قراری	
	۲۰٪	۳۷٪	۱۹٪	۱۷٪	۷٪	عصبانیت	
	۳٪	۳۲٪	۳۴٪	۲۳٪	۸٪	دافعه	
	۱۳٪	۳۴٪	۲۳٪	۲۱٪	۹٪	نارضایتی	
	۲۵٪	۳۴٪	۱۳٪	۲۱٪	۷٪	زیبایی	
	۳۱٪	۳۷٪	۱۵٪	۱۴٪	۳٪	دلپذیری	
	۳۳٪	۲۹٪	۱۸٪	۱۵٪	۵٪	متانت	
	۳۳٪	۲۸٪	۱۹٪	۱۴٪	۶٪	آرامش بخش	
	۲۸٪	۳۵٪	۲۴٪	۱۳٪	-	افسردگی	
	۱۹٪	۲۴٪	۳۴٪	۱۸٪	۵٪	خسته کننده	
	۸٪	۱۹٪	۲۵٪	۳۴٪	۱۴٪	بیهودگی	
۲۲٪	۲۱٪	۱۸٪	۲۷٪	۱۲٪	یکنواختی		
ارائه راهکار جهت احساس مطلوب ناظرین در راستای مؤلفه های معنایی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	واکنش احساسی	تصویر نمای مصوب
<p>-خلق کلیتی هماهنگ -طراحی متناسب با فرهنگ غالب و جلوگیری از شبیه شدن به بیگانه -عدم استفاده از مصالح ناهمخوان با زمینه به</p>	۴٪	۱۵٪	۲۷٪	۳۸٪	۱۶٪	مهیج	
	۸٪	۳۵٪	۲۲٪	۲۳٪	۱۲٪	فعال	

صورت تکه ای در زیر پنجره ها (مصالح در پیوستگی و هماهنگی با سایر اجزا و زمینه) - ایجاد ارتباط بین کالبد و معنا - ترکیب متوازن با مجاورین - اجتناب از تزئینات فاقد مصرف - تاکید بر خطوط افقی در طراحی بازوها - استفاده از نظم ، ریتم ، هماهنگی و تناسبات در طراحی نما - استفاده از مصالح بوم آورد - ارتباط ، پیوستگی و تداوم میان تمامی اجزا - تقسیمات هندسی مناسب - رعایت تعادل - عدم تقلیدی بودن و اجتناب از نزدیک شدن به معماری دوره خاص - عدم استفاده از رنگ های متضاد با زمینه و استفاده از رنگ های آرامش بخش و همخوان با زمینه - استفاده از شیشه های رنگی جهت حفظ حریم خصوصی - ایجاد سایه اندازی جهت آسایش اقلیمی - طراحی ظریف و متناسب جداره های سبز جهت افزایش آسایش بصری و طراوت محیط - به کارگیری خلاقیت و جلوگیری از تقلید صرف	٪۱۲	٪۱۹	٪۲۳	۲۸ ٪	٪۱۸	سرزندگی	
	٪۸	٪۱۷	٪۲۱	۳۷ ٪	٪۱۷	جالب	
	٪۱۴	٪۳۴	٪۲۳	۲۱ ٪	٪۸	بی قراری	
	٪۳۳	٪۴۳	٪۱۸	٪۶	-	عصبانیت	
	٪۴۳	٪۲۷	٪۱۸	۱۰ ٪	٪۲	دافعه	
	٪۳۷	٪۲۹	٪۱۶	۱۶ ٪	٪۲	نارضایتی	
	٪۵	٪۱۸	٪۱۹	۳۷ ٪	٪۲۱	زیبایی	
	٪۳	٪۱۵	٪۲۱	۳۷ ٪	٪۲۵	دلپذیری	
	-	٪۳۱	٪۳۷	۲۹ ٪	٪۳	منانت	
	٪۷	٪۱۷	٪۳۲	۲۰ ٪	٪۲۴	آرامش بخش	
	٪۳۳	٪۲۳	٪۲۷	۱۳ ٪	٪۴	افسردگی	
	٪۲۱	٪۳۷	٪۲۵	۱۷ ٪	-	خسته کننده	
	٪۷	٪۲۱	٪۳۳	۳۷ ٪	٪۱۲	بیهودگی	
٪۱۹	٪۲۹	٪۲۱	۱۸ ٪	٪۱۳	یکنواختی		
ارائه راهکار جهت احساس مطلوب ناظرین در راستای مؤلفه های معنایی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	واکنش احساسی	تصویر نمای مصوب
-عدم استفاده از خطوط باریک عمودی و افقی - رعایت تناسبات هندسی متعادل - طراحی جداره سبز و گلجای های متناسب با سایر اجزا جهت افزایش کیفیت بصری و تلطیف محیط - طراحی کارآمد و متناسب با سایر اجزا - طراحی متناسب پیش آمدگی و فرو رفتگی ها جهت سایه اندازی و ایجاد آسایش اقلیمی - عدم استفاده از خطوط تیره افقی - ترکیب متناسب خطوط عمودی و افقی - ترکیب متناسب مصالح با یکدیگر و کل مجموعه - استفاده از مصالح مقاوم ، قابل اجرا و ایستا - طراحی متفاوت همکف با تزئینات و تناسبات مناسب - استفاده از رنگ های آرامش بخش و روحانی - استفاده از نرده ها با نقوش اسلیمی و مصالح بومی و همخوان با زمینه جهت افزایش زیبایی بصری - طراحی سایه بان جهت سایه اندازی و حفظ حریمت - عدم استفاده از تزئینات فاقد مصرف و استفاده از تزئینات آرامش بخش و مصالح و رنگ های ملایم جهت افزایش آرامش - طراحی مناسب تراس ها به عنوان اتصال فضای داخل و خارج - استفاده از نورپردازی مطلوب و کافی و متفاوت در ورودی ساختمان	٪۱۶	٪۲۷	٪۲۵	۲۱ ٪	٪۱۱	مهیج	
	٪۱۴	٪۳۵	٪۲۴	۱۹ ٪	٪۸	فعال	
	٪۱۸	٪۳۷	٪۲۱	۱۸ ٪	٪۶	سرزندگی	
	٪۱۴	٪۱۹	٪۱۸	۳۷ ٪	٪۱۲	جالب	
	٪۳۹	٪۲۹	٪۲۱	۱۱ ٪	-	بی قراری	
	٪۴۳	٪۳۲	٪۱۹	٪۶	-	عصبانیت	
	٪۳۱	٪۳۷	٪۱۹	۱۳ ٪	-	دافعه	
	٪۳۲	٪۴۱	٪۱۸	٪۹	-	نارضایتی	
	٪۲	٪۱۷	٪۱۲	۴۱ ٪	٪۲۸	زیبایی	
	٪۳	٪۱۸	٪۲۰	۳۸ ٪	٪۲۱	دلپذیری	
	٪۲	٪۱۵	٪۱۸	۳۶ ٪	٪۲۹	منانت	
	٪۴	٪۱۶	٪۱۴	۳۴ ٪	٪۳۲	آرامش بخش	
٪۳۹	٪۲۸	٪۲۱	٪۸	٪۴	افسردگی		

جهت خوانایی در تمامی ساعات شبانه روز - استفاده از پوسته های سبز در ورودی ها	کاربری تجاری - اداری					تصویر نمای مصوب
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
خسته کننده	۱۲٪	۲۲٪	۳۴٪	۲۳٪	۹٪	
بیهودگی	۱۶٪	۲۱٪	۲۱٪	۲۳٪	۱۹٪	
یکنواختی	۱۴٪	۲۱٪	۲۱٪	۳۲٪	۱۲٪	
ارائه راهکار جهت احساس مطلوب ناظرین در راستای مؤلفه های معنایی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	واکنش احساسی
-طراحی به گونه ای که نشان دهنده کاربری ساختمان باشد با کارکرد ویژه -طراحی پیوسته و متداوم - استفاده از تکنولوژی های دیجیتال در طراحی که موجب نوآوری گردد - طراحی ورودی موثر و دعوت کننده و همخوان با سایر اجزا نما - استفاده از رنگ جهت جلوگیری از یکنواختی و ایجاد سرزندگی - به عنوان اثری شاخص و به یاد ماندنی در ذهن بیننده - استفاده از پوسته های طراحی شده به منظور ایجاد آسایش اقلیمی و بصری - استفاده از متریا ل نوین -الهام گرفته از موضوعی خاص و مرتبط - استفاده از نمادپردازی جهت اسرارآمیزی و شگفتی-استفاده از مصالح مقاوم و بادوام در برابر عوامل جوی ، زلزله و حریق - طراحی پیچیده جهت افزایش جذابیت - تنوع در طرح و رنگ - استفاده از نورپردازی منحصر بفرد جهت انعکاس زیبایی و جذابیت در شب - استفاده از طرح ها و نقوش نوآورانه - طراحی هدفمند- طراحی انعطاف پذیر متناسب با شرایط اقلیمی - استفاده از سیستم مدولار در طراحی جهت طرحی کارآمد، ایستا ، پایدار ، عملی و زیبا - رعایت نظم و تناسب و ایجاد کلتی هماهنگ - طراحی بام به عنوان بخشی از نما- استفاده از مصالح با قابلیت شستشو -استفاده از عناصر طبیعی آب و گیاه جهت به کارگیری احساس در طراحی ورودی - طراحی متناسب تابلوها به گونه ای که بر یکپارچگی نما تاثیر منفی نگذارد .	۲۱٪	۳۹٪	۱۵٪	۲۱٪	۴٪	مهیج
	۴٪	۲۷٪	۳۴٪	۳۲٪	۳٪	فعال
	-	۲۸٪	۳۵٪	۳۳٪	۴٪	سرزندگی
	۱٪	۲۸٪	۲۹٪	۳۴٪	۸٪	جالب
	۴۱٪	۳۳٪	۱۸٪	۸٪	-	بی قراری
	۳۹٪	۳۲٪	۱۲٪	۱۷٪	-	عصبانیت
	۲۶٪	۳۹٪	۱۴٪	۱۹٪	۲٪	دافعه
	۲۹٪	۳۹٪	۱۴٪	۱۸٪	-	نارضایتی
	۲٪	۱۸٪	۵۴٪	۲۱٪	۴٪	زیبایی
	۱٪	۲۲٪	۳۲٪	۳۲٪	۱۴٪	دلپذیری
	۲٪	۲۱٪	۲۸٪	۳۹٪	۱۰٪	متانت
	۱۲٪	۲۲٪	۵۳٪	۱۱٪	۲٪	آرامش بخش
	۱۲٪	۷۲٪	۸٪	۸٪	-	افسردگی
	۲۲٪	۳۴٪	۱۲٪	۲۱٪	۱۱٪	خسته کننده
۱۸٪	۳۳٪	۵٪	۳۲٪	۱۲٪	بیهودگی	
۹٪	۲۱٪	۳۷٪	۲۲٪	۱۱٪	یکنواختی	
با توجه به اینکه در نگاه ناظرین دارای کاربری مسکونی بوده بنابراین طراحی متناسب با کاربری به گونه ای که با دیدن نما کاربری تجاری - اداری آن تداعی شود-طراحی منسجم و واحد و ارتباط کالبدی سایر اجزا با یکدیگر -طراحی سیال و پویا - استفاده از نشانه گذاری متناسب با فرهنگ مردم جهت افزایش اسرارآمیزی -طراحی مهیج و نوآورانه با استفاده از تکنولوژی های روز - عدم تکرار و جلوگیری از یکنواختی در طراحی - استفاده از المان های کاربردی با جنبه تزئینی - افزایش غنای حسی و ارتباط کالبد و معنا - به کارگیری مصالح بادوام و مقاوم با قابلیت تعمیر و	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	واکنش احساسی
۳۱٪	۵۱٪	۷٪	۱۱٪	-	مهیج	
۲۳٪	۳۸٪	۱۷٪	۱۸٪	۴٪	فعال	
۴٪	۲۵٪	۳۶٪	۲۸٪	۷٪	سرزندگی	
۶٪	۳۷٪	۳۴٪	۲۳٪	-	جالب	
۴۱٪	۳۳٪	۱۸٪	۸٪	-	بی قراری	
۴۳٪	۳۲٪	۱۹٪	۶٪	-	عصبانیت	

دافعه	-	۱۳٪	۱۷٪	۴۳٪	۲۷٪	شستشو - استفاده از پوسته های طراحی شده ی کارآمد - استفاده از نماهای دیجیتالی با توجه به کاربرد و تاثیر روزافزون رسانه ها در زندگی بشری
نارضایتی	-	۶٪	۱۸٪	۳۹٪	۳۷٪	- ورودی دعوات کننده و دارای ویژگی خاص و منحصر به فرد - دارای جذابیت در کلیه ساعات شبانه روز- طراحی جداره های سبز به صورت پیوسته و هماهنگ با سایر اجزا - به کارگیری عناصر طبیعی در طراحی - طراحی متناسب با فرهنگ جامعه - استفاده از الگویی مشخص در طراحی - خاطره انگیز و جذاب برای تمامی رده های سنی - رعایت اصول تعادل و تناسبات
زیبایی	۱۴٪	۲۲٪	۲۸٪	۲۳٪	۳٪	
دلپذیری	۱۱٪	۴۱٪	۲۱٪	۱۹٪	۸٪	
متانت	-	۲۲٪	۴۱٪	۲۳٪	۴٪	
آرامش بخش	۴٪	۳۷٪	۳۹٪	۱۹٪	-	
افسردگی	-	۴٪	۱۹٪	۴۳٪	۳۴٪	
خسته کننده	-	۳۹٪	۳۱٪	۲۸٪	۲٪	
بیهودگی	۴٪	۴۱٪	۳۴٪	۲۱٪	-	
یکنواختی	۳٪	۳۹٪	۲۷٪	۲۹٪	۲٪	



منبع : نگارنده

-نتیجه گیری

بحث نماها و ساماندهی بدنه های شهری به دلیل ارتباط تنگاتنگ با شهروندان در بسیاری از کشورهای توسعه یافته اهمیت بسیاری داشته است لذا اولین تصویر ذهنی از یک شهر از منظر خیابان های آن است که نماها و جداره های شهری تشکیل دهنده ی آن می باشند که اساساً مبین سطح تماس انسان به پدیده شهر است و بخش قابل توجهی از دانش و عواطف محیطی شهروندان را شکل می دهد . در دوران مدرن امروز به دلیل عدم سازش انسان و محیط و غیرانسانی بودن معماری و شهرسازی معاصر، شاهد آثار زیان آوری مانند اضطراب، آشفتگی، تنفر، خودکشی، جنایت و ... می باشیم. لذا این امر موجب گردید توجه به انسان و نیازهای انسان، ادراک احساسات در طراحی فضاهای شهری یکی از دغدغه های ذهنی بسیاری از طراحان و مسئولین شهری گردد. نوشتار حاضر به بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر ادراک نما از دید ناظرین در ابعاد معنایی و عاطفی و احساسات پرداخته است. بررسی های انجام شده در این زمینه بیانگر این است که هریک از نماهای مصوب شهرداری منطقه دو تهران که توسط متخصصین و بر اساس دستورالعمل های ابلاغی در کمیته نما منطقه به تأیید رسیده است، در نگاه ناظرین جایگاهی در شبکه احساس می یابد و با توجه به نوع کاربری نماهای مورد بررسی، واکنش های احساسی به نما متفاوت می باشد. لذا مؤلفه های معنایی با توجه به احساسات در محیط و کاربری و نوع نما زیبایی، دلپذیری، پایداری، کارآمدی، مطلوبیت، هماهنگی، زمینه گرایی، فرهنگی، وحدت، تناسب، نظم، خاطره انگیزی، انسجام و ... خواهند بود. همچنین در حالی که تحلیل آماری پرسشنامه ها مشخص کننده ی این موضوع است که ترجیح ناظران محیط با توجه به کاربری مسکونی، تجاری - اداری معطوف به نماهای آرامش بخش و هیجانی بوده، در راستای پاسخگویی مطلوب به احساسات ناظرین نسبت به نماهای مصوب با توجه به مؤلفه های معنایی به ارائه راهکارهایی به شرح جدول ذیل جهت دستیابی به طراحی خوشایند و مطلوب نماها و جداره های شهر و افزایش کیفیت محیط های شهری پرداخته ایم:

جدول شماره ۶_ ارائه راهکارهای طراحی مطلوب نماهای شهری بر اساس نوع کاربری با توجه به مؤلفه های معنایی مؤثر

مؤلفه های معنایی	راهکارهای طراحی مطلوب نماها
نظم- دلپذیر بودن - آرامش بخشی - بومی بودن - احترام به انسان و توجه به نیازهای انسان - زیبایی - توجه به همجواری ها - رعایت مقیاس و تناسبات انسانی - هماهنگی - دارای قدمت - احساس امنیت - فرهنگی - محرمیت - سکونت - با روحیه - زمینه گرایی - وحدت - وضوح و خوانایی - هویت - پرهیز از بیهودگی - خاطره انگیزی - انسجام	طراحی نما به صورت یک فرم واحد و منسجم - طراحی مطابق با محیط و نماهای مجاور - طراحی ساده و انسانی - رعایت خط آسمان - استفاده از فرم و شکل متعارف - تقسیمات و تناسبات و نظم هندسی متعادل - استفاده از الگوهای سنتی ضمن به روز رسانی پدیده ها - توجه به ارزش های بومی و فرهنگی - ظرافت در طراحی و استفاده از تزئینات سنتی و واجد معنا در جهت القای حس آرامش - ایجاد نظم و وحدت در جداره و نما - استفاده از پوشش گیاهی و سبزینگی جهت افزایش طراوت و نشاط محیط - استفاده از مصالح بومی و همساز با اقلیم - ترکیب مناسب مصالح با توجه به رنگ و جنس و همخوانی با مصالح نماهای مجاور - طراحی سایه بان هایی جهت حفظ حریمیت و جلوگیری از تابش مستقیم نور خورشید - استفاده از رنگ های گرم و مصالح آرامش دهنده - طراحی بازشوها متناسب با یکدیگر و دیگر اجزای نما - حفظ ریتم افقی در طراحی بازشوها - طراحی ورودی تعریف شده و متناسب با سایر اجزای نما - استفاده از پیش آمدگی ها و فرو رفتگی ها در طراحی نما جهت سایه اندازی و ایجاد شرایط اقلیمی مناسب - حفظ و رعایت تناسبات بصری - طراحی مناسب تراس ها به عنوان اتصال فضای داخل و خارج - استفاده از نورپردازی مطلوب و کافی و متفاوت در ورودی ساختمان جهت خوانایی در تمامی ساعات شبانه روز - استفاده از پوسته های سبز در ورودی ها - استفاده از تزئینات در ترکیب با جداره های سبز

<p>- طراحی متناسب با کاربری - فرم پویا - فرم پایدار و ایستا - استفاده از تکنولوژی در طراحی که موجب نوآوری و شگفتی گردد - طراحی متنوع و هماهنگ با سایر اجزا - طراحی نما به صورت یک فرم واحد و منسجم - طراحی مطابق با عملکرد و کارکرد ویژه - استفاده از مصالح مقاوم و بادوام - استفاده از ترکیبات هندسی متعادل و متناسب با کاربری - استفاده از مصالح قابل شستشو - طراحی تابلوهای تبلیغاتی در محدوده مجاز و متناسب با سایر اجزا - به کارگیری حواس پنجگانه انسان جهت طراحی نما و جذب انسان به محیط و جذابیت طرح - استفاده از ترکیبات و مصالح و تکنولوژی های بدیع و تازه ضمن تناسب و هماهنگی با سایر اجزا جهت افزایش لذت و سرزندگی - استفاده از نشانه گذاری ها و نمادپردازی متناسب با فرهنگ جهت خاطره انگیزی و اسرارآمیزی - طراحی نماهای دیجیتال با توجه به کاربرد روزافزون رسانه ها در زندگی روزمره و جذب مخاطبین - ارتباط کالبدی اجزا با یکدیگر و کل واحد - ورودی خوانا جهت حس دعوت کنندگی و حضور - استفاده از تزیینات با معنا و متناسب و پرهیز از تزیینات بیهوده و بدون کاربرد - استفاده از سیستم مدولار در طراحی جهت طرحی کارآمد، ایستا، پایدار، عملی و زیبا - استفاده از پوسته های طراحی شده به منظور ایجاد آسایش اقلیمی و زیبایی بصری</p>	<p>انعکاس زیبایی - جذابیت - خلاقیت در طراحی - تاریخ گرا - پیوستگی و هماهنگی - پایداری و ایمنی - بدیع (تازگی) - دارای نظم - لذت بخش - سرزندگی - فعال - تنوع - پیچیدگی - اقتصادی و کارآمد - افزایش روابط - عدم تقلیدی بودن - متناسب با ارزش های فرهنگی - خاطره انگیز - اسرارآمیز - رمز آمیز - ایجاد غنای حسی (ارتباط کالبد و معنا)</p>
--	--

منبع: نگارنده

منابع

۱. ارجمندفر، مسعود، ۱۳۸۸، بررسی مقایسه ای ترجیحات محیطی مردم و گروه های موثر در حوزه نماهای مسکونی، پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۲. اکو، امیرتو، ۱۳۸۷، نشانه شناسی، ترجمه: پیروز ایزدی، چاپ اول، نشر ثالث، تهران.
۳. آلتمن، ابروین، ۱۳۹۵، محیط و رفتار اجتماعی (خلوت، فضای شخصی، قلمرو، ازدحام)، ترجمه: علی نمازیان، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۴. امین زاده، بهناز، ۱۳۸۹، ارزیابی زیبایی و هویت مکان، فصلنامه هویت شهر، سال پنجم، شماره ۷، صفحات ۳-۱۴.
۵. بنتلی، ای ی، ۱۳۸۵، محیط های پاسخده، ترجمه: مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۶. پاکزاد، جهانشاه، ۱۳۸۲، پدیدارشناسی نماهای مسکونی و سیر تکوین توقعات از آن، هنرهای زیبا، شماره ۱۴.
۷. پاکزاد، جهانشاه، ۱۳۸۶، مجموعه مقالات در باب طراحی شهری، انتشارات شهیدی.
۸. تی هال، ادوارد، ۱۳۷۶، بعد پنهان، ترجمه: دکتر منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۹. حبیب، فرح، ۱۳۸۵، طراحی منظر شهر در گذر تاریخ، فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، سال شانزدهم، شماره ۵۳، شماره هجدهم، دوره جدید.
۱۰. حبیب، فرح، ۱۳۸۵، کندوکاوی در معنای شکل شهر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۵، بهار ۸۵.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. رضازاده، راضیه، ۱۳۸۵، تدوین اصول و معیارهای ساماندهی سیمای شهری، طرح تحقیقاتی انجام شده در مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی وزارت مسکن و شهرسازی معاونت شهرسازی و معماری.
۱۳. رئیس و نقره کار، محمدمنن و عبدالحمید، ۱۳۹۲، هستی شناسی معنا در آثار معماری، مجله هویت شهر، شماره ۲۴، سال نهم.
۱۴. شاهچراغی و بندرآباد، آزاده و علیرضا، ۱۳۹۴، محاط در محیط؛ کاربرد روانشناسی محیطی در معماری و شهرسازی، ناشر: سازمان جهاد دانشگاهی، تهران.
۱۵. شولتز، کریستین نوربرگ، ۱۳۸۹، معنا در معماری غرب، ترجمه: قیومی، مؤسسه ترجمه و نشر آثار هنری.
۱۶. صفامنش، کامران، ۱۳۷۳، طرح بهسازی خیابان ها لاله زار، سازمان زیباسازی شهر تهران.
۱۷. عباسی، زهرا، تابستان ۹۶، معیارهای زیبایی شناسانه نما و بدنه های مطلوب شهری با تاکید بر هویت بومی (نمونه موردی حد فاصل میدان مطهری تا تقاطع خیابان حجت شهر قم)، نشریه مدیریت شهری، سال شانزدهم، شماره ۴۷.
۱۸. لنگ، جان، ۱۳۸۶، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه: علیرضا عینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۹. لینچ، کوین، ۱۳۸۱، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه: حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۰. ماجدی و ذبیحی و درخشان، حمید و حسین و احسان، تابستان ۹۷، بازخوانی مولفه های هویت بخش نما در منظر شهرهای معاصر، نشریه مدیریت شهری، شماره ۵۱.
۲۱. محمدی، مریم، ۱۳۹۵، شناسایی عوامل مؤثر بر خلق جداره های شهری واجد معنا، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
۲۲. محمدی، مریم، ۱۳۹۶، بازشناسی دلالت های معنایی انواع نما در انطباق با پاسخ عاطفی ناظران - نمونه خیابان شریعتی تهران، نشریه نامه معماری شهرسازی، شماره ۲۱، پائیز و زمستان ۹۷.
۲۳. مرتضوی، شهناز، روانشناسی محیط و کاربرد آن، ۱۳۸۰، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲۴. معماریان، غلامحسین، ۱۳۹۵، سیری در مبانی نظری معماری، ناشر: مؤلف.
۲۵. معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ معین، انتشارات زرین، تهران.
۲۶. مهدوی نژاد، محمدجواد، ۱۳۸۴، آموزش نقد معماری؛ تقویت خلاقیت دانشجویان با روش تحلیل همه جانبه آثار معماری، هنرهای زیبا، ۲۳، ۶۹-۷۶.
۲۷. نصری، عبدالله، ۱۳۸۱، راز متن، مرکز مطالعات و انتشارات آفتاب توسعه، تهران.
۲۸. هاسپرس، جان، ۱۳۷۰، درآمدی بر تحلیل فلسفی، مترجم: سهراب علوی نیا، مرکز ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۲۹. هاشمی و کرباسچی، وحیده و محمدجعفر، ۱۳۹۷، پدیدارشناسی معنا در معماری (بررسی اندیشه های شولتز در رابطه با معنا)، کنفرانس بین المللی عمران معماری و مدیریت توسعه شهری در ایران، دانشگاه تهران، تهران.
۳۰. واعظی، احمد، ۱۳۹۰، نظریه تفسیر متن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.

Archive of SID

- Gifford , Robert ,1997 , “personal space” , Environmental Psychology principles and practice , Allyn & Bacon.
- Hershberge , Robert ,1977 , “ predicting the Meaning of Architecture “,Arizona state , university.
- Kaplan . R . and Kaplan . S . 1991, The experience of nature: A psychological perspective , cambridgeUniversity Cambridge .UK
- Koseoglu , E , & Onder , D.E , 2011 ,”Subjective and objective Dimensions of spatial Legibility “ , procedia – Sosial and Behavioral Sciences , 30 , 1191-1195
- Morris,Charles , 1976 , “signification and significance ,A study of the Relations of signs and Values” , The M.I.T press ,Cambridge ,Massachusetts
- Russell , J.A , and Snodgrass , J ,1989 , “ Emotion and Environment “ . In Stokols , D . and Altman , I. (Eds) , Handbook of Environmental psychology , Vol. I , New York:John Wiley .
- Steinitz ,Carl , 1968 , Meaningand the congruence of Urban Form and Activity , Joornal of American Planning Association , 34:4,233-۲۴۸ .